

فهرست

۱.....	مقدمه
۲.....	مردم نگاری چیست.....
۳.....	مراحل مردم نگاری
۴.....	مقدمات ورود به میدان
۶.....	روشهای جمع آوری اطلاعات
۸.....	مشاهده مشارکتی.....
۹.....	نقش مشاهده گر.....
۱۱.....	مصاحبه.....
۱۲.....	ثبت داده ها.....
۱۳.....	توجه به جزئیات.....
۱۴.....	ثبت مواردی تکراری و موارد منحصر به فرد.....
۱۷.....	دسته بندی و تحلیل اطلاعات
۱۸.....	نگارش گزارش.....
۲۰.....	نقشه ها.....
۲۳.....	مصنوعات فرهنگی
۲۴.....	اطلاعات مورد نیاز در مردم نگاری روستا.....
۲۸.....	نمونه ای از یک مردم نگاری.....
۳۲.....	منابع:.....

حرکتهای جهادی از جمله ثمرات انقلاب اسلامی است که انرژی و قابلیت‌های جوانان انقلابی را در مسیر خدمت به محرومان هدایت می‌کند. بزرگترین سرمایه جهادگران در عرصه سازندگی انگیزه پاک و اخلاص آنهاست که کارهای بر زمین مانده و ناشدنی را به منصفه تحقق رسانده است. انگیزه به منزله موتور محرک جهادگران محسوب می‌شود اما برای اثربخشی بیشتر فعالیتها باید به ابزارهایی مجهز شد که احتمال درستی و موفقیت آنها را افزایش می‌دهد. علوم مختلف و از جمله علوم انسانی ابزارها و مهارتهایی در اختیار فرد قرار می‌دهند که در مراحل مختلف انجام حرکت جهادی مفید واقع می‌شود.

شناسایی یکی از اجزای کلیدی حرکتهای جهادی است که زمینه ساز انتخاب منطقه هدف است و سپس برنامه های اجرایی گروه را مشخص می‌کند. پیوند میان علم و جهادی از نقطه شناسایی شروع می‌شود. یک جامعه شناس یا انسان شناس برای شناخت دقیق فرهنگ و زندگی مردم مدت طولانی با آنها زندگی و در فعالیتهای روزمره شان مشارکت می‌کند. چنانچه گروه جهادی مدت زیادی در یک روستا فعالیت و حضور داشته باشد نسبت به آن به شناختی کامل دست پیدا می‌کند چیزی که هدف نهایی مردم نگاری است. با توجه به اینکه در حین فعالیتهای جهادی و با گذشت زمان اطلاعات گروه جهادی از منطقه فعالیت بیشتر می‌شود می‌توان شناسایی را فرآیندی توقف ناپذیر دانست که نقطه پایانی آن خروج کامل از روستاست زیرا تا زمانی که گروه در منطقه هدف حضور و با مردم تعامل دارد درباره ویژگی های روستا مطالب جدیدی کشف می‌کند. با این رویکرد جهادگر پس از چندین سفر به یک منطقه می‌تواند نسبت به نوشتن مردم نگاری اقدام کند.

مردم نگاری در حقیقت حاصل دیده ها و شنیده های جهادگر در محل فعالیت جهادی است که به صورت یک متن مکتوب درآمده است. چنانچه مسئول پژوهش گروه جهادی وظیفه جمع آوری اطلاعات از مردم و گردآوری تجربه های سایر اعضای گروه را بر عهده



گیرد و آنها را دسته بندی و تنظیم کند مردم نگاری به وجود می آید که یافته های آن مبنای تعیین کمیت و کیفیت فعالیتهای گروه در زمینه های مختلف قرار می گیرد، ضمن اینکه تولیدی علمی محسوب می شود که قابلیت ارائه به جامعه علمی را دارد و به مسئولین در زمینه کسب شناخت و برنامه ریزی برای مناطق مختلف کمک می کند. توسعه و پیشرفت مناطق، تابعی از متغیرهای مختلف است که در این میان فرهنگ از اهمیت بالایی برخوردار است و در اکثر برنامه ریزی های توسعه منطقه ای مورد غفلت قرار می گیرد و تا کنون باعث عدم موفقیت و شکست پروژه های بسیاری شده است.

مردم نگاری چیست

مردم نگاری از روشهای تحقیق رایج در علم انسان شناسی است که در سایر شاخه های علوم اجتماعی از جمله جامعه شناسی و برنامه ریزی شهری از آن استفاده می شود. مردم نگاری شامل مشارکت طولانی مدت، پنهان یا آشکار، مردم نگار در زندگی روزمره است که طی آن محقق، آنچه را که رخ می دهد و آنچه را که گفته می شود، شاهد است تا در میان آنها پاسخ پرسش های خود را بیابد در حقیقت مردم نگار هر نوع داده ای را که به موضوع تحقیق او مرتبط است گردآوری می کند.

ویژگی ها و مشخصه های تحقیقات مردم نگاری در زمان حاضر عبارتند از: مشارکت گسترده در میدان تحقیق، استفاده از استراتژی های تحقیق انعطاف پذیر، به کارگیری تمامی انواع روش ها و تمرکز بر نگارش و گزارش تجربیات محقق در میدان.

داده های جمع آوری شده مردم نگاری، اطلاعاتی درمورد موضوعاتی مانند اقتصاد، سیاست، شعایر، دین، خویشاوندی و فرهنگ قومی را دربر می گیرد که نشان می دهد این اجزای منحصر به فرد چگونه با یکدیگر کار می کنند تا یک کل منسجمی را شکل دهند. ابعاد ناپیدا و پنهانی در هر فرهنگ وجود دارد که می تواند از موضوعات تحقیق مردم نگاری شود. مردم نگاری با انتخاب فرهنگها و گروهها به عنوان موضوع مطالعه به کسب معرفت از سبک زندگی، درک و برداشت افراد از زندگی خودشان و عقاید آنها تمایل دارد. بر این اساس بر فهم دیدگاههای کسانی که مورد مطالعه قرار می گیرند

تأکید می کند و با توصیفی سر و کار پیدا می کند که در پاسخ به «چه هست» باید بیاید. این توصیف کاملاً دقیق و با بیان جزئیات خواهد بود تا بتواند تصاویر روشنی از وقایع یا فرهنگها را ارائه نماید. نتایج تحقیق مردم نگارانه توصیف جامع رفتار انسانها در شرایط طبیعی آن است. در این راستا اطلاعاتی مفید هستند که از طریق زندگی و یا حضور فعال محقق در جامعه مورد مطالعه او به دست آید، محقق سعی می کند بدون تعصب به درک زمینه های فکری افراد با مشاهده واکنش های آنها بپردازد.

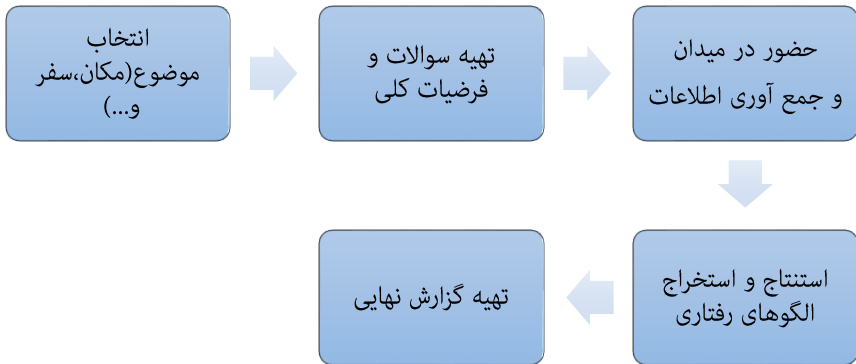
مراحل مردم نگاری

برای انجام مردم نگاری نخستین گام انتخاب موضوع است، که ممکن است یک منطقه یک روستا یا یک فعالیت خاص مثل سفر باشد. از نمونه های مردم نگاری کتاب اورازان نوشته آل احمد را می توان نام برد که محصول انجام مردم نگاری در روستای پدری اوست.

پس از تعیین موضوع و دسترسی به گروه مورد مطالعه مراحل واقعی تحقیق آغاز می شود. تحقیق مردم نگاری با مجموعه ای از سؤالات اصلی (حتی فرضیات) آغاز می شود. در نظر داشتن مضمونها و سؤالات کلیدی تحقیق برای جمع آوری کامل اطلاعات تحقیق بسیار اساسی و بنیادی هستند. تجربه ها و وقایع در قالب مکالمات و مصاحبه یا مشاهده مشارکتی جمع آوری می شوند. در این مرحله محقق فعالیت های گسترده و منظم برای حضور فعال و بدون تعصب در گروه مورد مطالعه انجام می دهد. او سعی دارد تا به موازات عضویت در گروه فاصله خود را نیز با آن حفظ کند. در این مرحله به تدریج فعالیت تحقیقاتی محقق زیاد می شود تا از همه جهات اطلاعات توصیفی فشرده و عمیق برای اکتشاف بستر و زمینه بروز کنش (رفتار)ها جمع آوری شود. به موازات پیشرفت تحقیق، اندیشه های محقق نیز روشنتر می شود که این امر به چگونگی ارتباط فعال محقق با افراد مورد مطالعه و حتی نخبگان آنها کمک به سزایی می کند.



در آخرین مرحله تحقیق، محقق باید بر اساس داده های جمع آوری شده الگوهای رفتاری را تشخیص دهد. در این مرحله گزارش توصیفی، محقق از حالت سطحی فراتر می رود و شکلی عمیق و فشرده تر پیدا می کند و محقق، رفتاری را که عموماً در یک موقعیت خاص انجام می شود را به عنوان سبک رفتار گروه مورد بررسی، معرفی می کند یا علت آن را بیان می کند.



به عنوان مثال «در قدیم، هرگاه بین دو طایفه یا گروه درگیری در می گرفت، به سوی این تل می آمدند و هر گروهی که زودتر به روی این تل می رسید، احتمال پیروزی اش بیشتر بود... شاید بشود این گونه فرض کرد که یکی از درگیریهای مهم روستا بر روی این تل واقع گردیده و اکنون دیگر به این نام [جغدان] خوانده می شود.»^۱

مقدمات ورود به میدان

در موضوعاتی که مردم نگاری مورد بررسی قرار می دهد، انسانها عناصر اصلی میدان تحقیق هستند، رفتار آنها مشاهده می شود یا به عنوان اطلاع رسان از آنها سؤالاتی پرسیده می شود. مردم نگار باید بتواند با آنها ارتباط و تعامل مناسبی برقرار کند که اعتماد و همکاری آنها را برای ادامه دادن تحقیق جلب کند. بهتر است اطلاع رسانها با او احساس صمیمیت داشته باشند. شروع یک رابطه پژوهشی در قالب شیوه غیر شخصی

^۱مردم نگاری روستای جغدان <http://anthropology.ir/node/14625>



مصاحبه رسمی) گاهی اوقات می تواند مانعی برای فرصت های تعامل شخصی تر با اطلاع رسانها که در تحقیق ممکن است تجربه شود به وجود آورد.

هنگامی که محقق از اطلاع رسان های بالقوه یعنی افراد مرتبط با موضوع می خواهد تا با پروژه همکاری کنند و درگیر تحقیق شوند، باید قادر باشد تا علائقش را به آنها نشان داده و توضیح دهد. باید طوری این علاقه را نشان دهد که اطلاع رسان های بالقوه قادر باشند حس کنند که به پروژه متعهد است و برای انجام آن اشتیاق دارد. اطلاع رسان ها نسبت به پروژه های مردم نگاری و اهدافشان، بسیار حساس، باهوش و کنجکاو هستند. ممکن است سؤالاتی درباره پروژه پرسیده شود. محقق باید آمادگی پاسخ به این سؤالات را داشته باشد و علائقش را خوب با منطق و استدلال توضیح دهد. باید سعی شود از اطلاع رسان ها تا جای ممکن چیزهایی یاد گرفته شود و تلاش بر این باشد تا موضوع، با دیدگاه ها و چشم اندازهای متعدد دیده شود. در بسیاری موارد، لازم است از برخی افراد به عنوان منابع عمده اطلاعات قدردانی شود. از آنها به عنوان کسانی که دانشی در اختیار محقق می گذارند و نماینده گروه ها و مجموعه هایی از دانش و تجربه هستند قدردانی می شود. آنها ممکن است نقش عمده ای در مردم نگاری داشته باشند و محقق به عنوان اطلاع رسانهای کلیدی به آنها متکی باشد. باید به خواننده گزارش، این فرصت یا شانس را داد تا با این افراد آشنا شود و آنها را با نام، شناسایی کند و حتی با شرایط شخصی و ویژگی های شخصیتی آنها آشنا شود.

در ابتدای ورود به میدان تحقیق یکی از اتفاقاتی که ممکن است رخ دهد سوء تفاهمهای فرهنگی است. پتانسیل برای سوء تفاهم فرهنگی و اجتماعی میان محقق و اطلاع رسان بیشتر در آغاز پروژه تحقیق اتفاق می افتد و در طول زمان تحقیق این سوء تفاهم کم می شود. اما سوء تفاهم می تواند در هر مرحله ای از جریان تحقیق حتی در زمان های نامناسب هم رخ دهد. منابع سوء تفاهم تقریباً بی شمارند، اما غالباً شامل چیزهایی مثل استفاده نامناسب از یک کلمه یا عبارتی می شود یا حتی سوء تفاهم ها می تواند به هنجارهای رفتاری به کار رفته شده در یک موقعیت هم مربوط شود، انجام رفتاری در یک موقعیت انتظاری می رود، اما این رفتاری به همان وضع مورد انتظار انجام نمی



گیرد. مثلاً در بشاگرد زنان در ابتدای ملاقات و در حین احوالپرسی پس از دست دادن خم می شوند و دست طرف مقابل را می بوسند و انتظار دارند فرد مقابل خم شود و دست آنها را ببوسد وقتی یک خانم شهری تازه وارد با بوسیدن دستش توسط یک زن بشاگردی مواجه می شود چنانچه دست خود را عقب بکشد باعث می شود زن بشاگردی احساس کند به او بی احترامی شده است. سوء تفاهم گاه می تواند به عدم آگاهی از معانی و فهم دو طرف یا تفاوت های میان اطلاع رسان ها برگردد. درحالی که چنین لحظاتی از سوء تفاهم می تواند برای محقق دشوار باشد، بسیاری از آنها در نهایت، می تواند لحظه های یادگیری برای او به همراه آورد. در واقع چنین رخدادهایی می تواند ابعاد فرهنگی- اجتماعی روشنی را با خود به همراه داشته باشد که اگر چنین نمی شد شاید ناآشکار و برای تشخیص دشوار بود.

روشهای جمع آوری اطلاعات

در مردم نگاری لازم است همه ابعاد موضوع که آشکارا دیده و شنیده می شود و زوایای پنهان و ناپیدای فرهنگی ثبت شود بنابراین دو روش مشاهده و مصاحبه مورد استفاده قرار می گیرد. منبع اصلی کسب اطلاعات انسانها هستند که به اصطلاح به آنها اطلاع رسان گفته می شود. اطلاعات معمولاً در اکثر مواقع از طریق مکالمات -هم مکالمه های رسمی و هم مصاحبه های غیر رسمی- به دست می آید اما، بعضی مفاهیم در اشکال غیر استدلالی یا شناختی و خارج از ارتباطات شفاهی و مستقیم ظاهر می شوند. انسانها مطالب زیادی را از طریق زبان های آشکار و غیر استدلالی بیان می کنند که به زبان بدن معروف است و شامل حرکات صورت یا دستهاست. در نتیجه، مردم نگار مجبور است که برای دسترسی به اطلاعات از راههای مختلف یعنی هم از طریق مکالمات و هم از طریق تجربه و مشاهده عمل کند. دو روش مورد استفاده در مردم نگاری عبارتند از:

۱- مشاهده



روش مشاهده به محقق فرصت جمع آوری داده های مشاهده ای، رفتاری و تجربه را ارائه می دهد که وظیفه کمک به پاسخ به این سؤالات را برعهده دارد که چگونه مردم در شرایط مختلف کنش^۲ متقابل انجام می دهند و عمل می کنند.

۲-مصاحبه

مصاحبه به عنوان یک ابزار، فرصتی برای پرسیدن سؤالات مستقیم و دسترسی به تجربه ها و افکار شخصی را در اختیار محقق قرار می دهد. هدف این است که محقق مردم نگار از مصاحبه شوندگان، چیزی یاد بگیرد، بنابراین مصاحبه مردم نگاری نباید مشابه یک بازجویی باشد. باید سؤالات دشوار و دقیق برسید، اما از فریب اجتناب ورزید و نباید خودتان را در موضع قدرت در چارچوب مصاحبه قرار دهید.

انواع مشاهده

مشاهده فعالیتی است که همه ما به طور روزمره انجام می دهیم و شکل نظام مند آن در پژوهش ها به کار گرفته می شود. مشاهده تنها به دیدن محدود نمی شود، در واقع تمامی حس ها — بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه — در مشاهده مورد استفاده هستند. مشاهده به پنج دسته تقسیم می شود:

- مشاهده پنهانی در برابر مشاهده آشکار: آنانی که مورد مشاهده اند تا چه حد از انجام مشاهده مطلع اند؟
- مشاهده همراه با مشارکت در برابر مشاهده بدون مشارکت: مشاهده گر تا چه حد ناچار است نقشی فعال در میدان مشاهده به عهده بگیرد؟
- مشاهده سیستماتیک در برابر مشاهده غیر سیستماتیک: آیا مشاهده کمابیش استاندارد شده به کار گرفته شده است یا آنکه مشاهده به شکلی انعطاف پذیر و متأثر از فرایند تحقیق انجام می گیرد؟

^۲کنش هر رفتار معنا داری است که از یک انسان سر می زند و کنش متقابل عمل فرد در مقابل کنش دیگری است.



- مشاهده در موقعیت طبیعی در برابر مشاهده در موقعیت غیر طبیعی: آیا مشاهده در محیط طبیعی اش انجام می گیرد یا تعاملات به محل خاصی (برای مثال آزمایشگاه) منتقل شده اند تا به شکل سیستماتیک تری مشاهده شوند؟

- مشاهده خود در برابر مشاهده دیگران: عمدتاً سایر افراد مورد مشاهده قرار می گیرند، حال چقدر به تأمل در نفس محقق، توجه شده است تا از این طریق زمینه برای تفسیر پدیده های مشاهده شده آماده شود؟

مشاهده ای که در مردم نگاری انجام می شود مشاهده مشارکتی در موقعیت طبیعی است که می تواند به صورت پنهان یا آشکار انجام شود و معمولاً به صورت غیرسیستماتیک است محقق از قبل مؤلفه هایی برای بررسی در نظر دارد اما خود را به آنها محدود نمی کند.

مشاهده مشارکتی

در مشاهده مشارکتی محقق بی هیچ مقدمه و تدارکی مستقیماً وارد میدان می شود. مشاهده از منظر یک عضو انجام می شود و در عین حال مشارکت محقق بر آنچه مشاهده می کند تأثیر می گذارد. برای مشاهده مشارکتی باید نقش یک کنشگر داخلی را به خود گرفت و با فعالیت مورد بررسی درگیر شد اما در مشاهده غیرمشارکتی، مشاهده گر صرفاً جریان وقایع را دنبال می کند. رفتارها و تعاملات بدون مداخله مشاهده گر به همان گونه ای جریان دارند که پیش از حضور او داشتند.

اگرچه رفتار بیشتر به وسیله مشاهده قابل شناخت است اما، با مشاهده کردن فعالیت های دیگران تنها یک سطح از اطلاعات و فهم فراهم می گردد. شناخت کامل رفتار می تواند در اثر تجربه کردن آن به دست آید که در مشاهده مشارکتی از طریق مشارکت در فعالیت مورد بررسی و شرکت جستن در مکالمات پیرامون آن رفتار به دست می آید. این نوع از درگیر شدن به محقق اجازه می دهد تا شروع به درک انگیزه ها و احساساتی کند که رفتار را زمینه چینی می کند.



در مشاهده مشارکتی می توان بدون در نظر داشتن هیچ مؤلفه ای، به ثبت هرآنچه رخ می دهد پرداخت، با وجود این گاهی از برگه ها و طرح های مشاهده نامه که به میزان مختلف ساختاربندی شده اند، استفاده می شود. غالب اوقات لیستی شامل عناصر موقعیت مورد بررسی تهیه می شود که تا حد امکان مملو از جزئیات اند تا به این وسیله امکان ارائه « توصیف های فربه»^۳ از میدان فراهم شود. البته در مشاهده ای که با هدف توصیف انجام می شود باید از استفاده از برگه های کاملاً ساخت یافته اجتناب شود تا موجب محدود شدن توجه و حساسیت فرد مشاهده گر نسبت به پدیده های جدید نشود.

نقش مشاهده گر

از طریق استفاده از سایر منابع داده و به خدمت گرفتن مشاهده گران متعدد بر غنای داده های گردآوری شده اضافه می شود. تفاوت های جنسیتی نیز مسئله مهمی است، به خصوص هنگامی که قصد دارید در اماکن عمومی مشاهده را انجام دهید. به دلیل خطراتی که زنان را تهدید می کنند امکان دسترسی و تحرک زنان به مراتب محدودتر از مردان است. در هر حال، زنان این محدودیت ها و خطرات را بیشتر حس می کنند و به همین دلیل مشاهداتشان با مردان متفاوت است و متوجه چیزهایی می شوند که مردان متوجه نمی شوند. این امر نشانگر «سرشت جنسیتی کار میدانی» است، به همین دلیل توصیه می شود که در مطالعات مشاهده ای از تیم هایی استفاده شود که از هر دو جنس ترکیب شده باشند. همچنین توصیه می شود که مشاهده گر به هنگام ورود به میدان، در حین مشاهده و به هنگام بازنگری در کل این فرایند توجه دقیقی به خود داشته باشد تا بتواند تأثیرات ضمنی، رویدادهای به ظاهر اتفاقی و برداشت ها را به هنگام تأمل در فرایند مشاهده و نتایج آن، به یکدیگر پیوند بدهد.

موارد مورد مشاهده:

^۳ Thick descriptions



به عقیده اسپردلی موقعیت های اجتماعی را معمولاً می توان حول ۹ بعد یا جنبه مشاهده کرد:

۱. فضا: مکان یا مکان های فیزیکی
 ۲. کنشگر: افراد درگیر
 ۳. فعالیت ها: مجموعه ای از اعمال مرتبط با یکدیگر که افراد انجام می دهند.
 ۴. اشیاء: پدیده های فیزیکی که حضور دارند.
 ۵. عمل: کنش واحدی که افراد انجام می دهند.
 ۶. رویداد: مجموعه ای از فعالیت ها که افراد انجام می دهند.
 ۷. زمان: توالی که در زمان رخ می دهد.
 ۸. هدف: آنچه افراد تلاش می کنند تا محقق کنند.
 ۹. عواطف: احساساتی که حس و بیان می شوند.
- انجام مشاهده مشارکتی با موقعیتی متناقض نما همراه است از سویی محقق باید تا حد امکان خود را به عنوان عضو گروه به موضوع مطالعه نزدیک کند و از منظر درونی به میدان مورد مطالعه نگاه کند و در عین حال جایگاه بیگانه را حفظ کند و به همه چیز از دید یک تازه وارد بنگرد. محقق با داشتن موقعیت یک بیگانه خواهد توانست ویژگی های خاص امور عادی و روزمره را در یک فرهنگ ببیند.

یکی از مشکلات چنین روشی این است که نمی توان تمامی پدیده ها را در موقعیت مورد مطالعه مشاهده کرد برخی از آنها در گذشته رخ داده اند و برخی از فعالیتها به عنوان بخشی از مراحل یک اتفاق، در مکانی دور از چشم ما انجام می شوند به عنوان مثال فرآیند تهیه غذا در یک مهمانی به دور از چشمان میهمانان انجام می شود. همچنین دشوار بتوان فرایندهای زندگی فرد را مشاهده کرد. باید خوش شانس باشیم که بتوانیم رویدادها یا اعمالی که به ندرت رخ می دهد — هرچقدر هم که برای پرسش تحقیق حیاتی باشند — مشاهده کنیم. چنین عملی اگر اساساً ممکن باشد تنها از طریق گزینش دقیق موقعیت مشاهده از نظر زمان و مکان میسر است. یکی از راه های حل این مشکلات افزودن مصاحبه با شرکت کنندگان به برنامه تحقیق است تا از این

طریق بازسازی و اطلاع از فرایندهای مربوط به زندگی نامه افراد یا ذخیره دانشی که پس زمینه عمل قابل مشاهده را تشکیل می دهند، ممکن شود. به این ترتیب، دانش محقق در مشاهده همراه با مشارکت تنها تا حدودی برپایه مشاهده کنش مبتنی است. بخش بزرگی از آن ناشی از اظهارات شفاهی شرکت کنندگان درباره روابط و واقعیات است.

مصاحبه

سؤال کردن از افراد یکی از راههای کسب اطلاعات است. یک مردم نگار همیشه باید کنجکاو باشد و سؤالاتی برای پرسیدن داشته باشد، مصاحبه در مردم نگاری اغلب حالت رسمی ندارد و باید از فرصت های غیر رسمی برای مکالمه استفاده شود. اگر محقق در یک وعده غذایی یا نوشیدن چای با اطلاع رسان های بالقوه یا واقعی همراه شد، می تواند به دقت به مکالمه گوش دهد و دنبال فرصتی باشد تا یاد بگیرد و سؤالاتی را بپرسد. این رویکرد دو مزیت دارد: ابتدا، تا حدی که اطلاع رسان ها در حال جهت دهی مصاحبه و صحبت درباره موضوع مورد علاقه آنها هستند، می توان تصویر مناسب و خوبی از آنچه برای آنها مهم است به دست آورد. در مصاحبه تعیین کردن آنچه که مهم است با آنچه که از لیست سؤالات مصاحبه از قبل تعیین شده باشد تفاوت دارد، ممکن است محقق پیش از شنیدن صحبت اطلاع رسانها تصور کند چیزی مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد اما پس از صحبت با مردم متوجه شود مسائل دیگری برای آنها اولویت دارد. محقق مردم نگاری می تواند بدون اینکه کاملاً مکالمه را سازماندهی کند با بودن قسمتی از مکالمه چیزهای زیادی یاد بگیرد. دوم، می تواند خود را در چشمان اطلاع رسانها به عنوان شخصی که می تواند به راحتی در مکالمات عادی مشارکت کند جا بیندازد. مصاحبه رسمی نقش یک مشاهده گر عینی را تسهیل می کند، اما مصاحبه های غیر رسمی به محقق اجازه می دهد که به راحتی نقش مشاهده گر مشارکت کننده را برعهده گیرد.

در مردم نگاری می توان مصاحبه رسمی نیز انجام داد، در مصاحبه های رسمی پاسخ های ایده آلی به سؤالات ارائه می شود. اگر محقق فقط به این پاسخ ها متکی باشد،



تصویری از یک جامعه و فرهنگ ایده آل خواهد ساخت، همه ما می دانیم جامعه و فرهنگ در عمل کاملاً متفاوت از نسخه ایده آتش است بنابراین با اتکا صرف به مصاحبه رسمی دقیقاً نمی توان جامعه و فرهنگ واقعی را منعکس کرد.

برای تبدیل شدن به یک مصاحبه کننده خوب به خوب گوش کردن نیاز است. چنانچه به جای تمرکز به جواب به پرسیدن سؤال تمرکز شود، در آن زمان نشانه ها و چیزهای مهمی که توسط مصاحبه شونده یا صحبت کننده ارائه می شود از دست خواهد رفت.

در مصاحبه دو نوع اصلی از داده ها جمع آوری می شود:

۱- تکه های مجزا و مستقیمی از اطلاعات (همانند سن، وابستگی مذهبی و

محل تولد)

۲- شرح و گزارش های روایت.

مصاحبه ها می توانند همچنین اطلاعاتی را درباره تجربه و درک فرد از یک واقعه یا پدیده، عقاید، روند های اندیشه، نمادها، پیوندهای فرهنگی و علت وقوع رویدادها به وجود آورند. باید توجه خاصی به نمونه های اطلاعات داشت که به احتمال زیاد باید به موضوع تحقیق مرتبط باشد و تا جای ممکن جزئیات ثبت شود.

ثبت داده ها

اطلاعاتی که مشاهده شده اند یا از طریق مصاحبه های غیررسمی به دست آمده اند باید ثبت شوند. مهم ترین کار، یادداشت برداری و ثبت نکات مردم نگاری تا جای ممکن است. دوره زمانی طولانی بین وقوع یک رویداد و یادداشت برداری می تواند برخی از عناصر را از ذهن و حافظه محقق حذف کند یا حتی این امکان وجود دارد که آنها را بد به خاطر بسپارد. محقق نباید صبر کند، تا روز بعد یادداشت هایی را بردارد. بنابراین یادداشت برداری دقیقاً همزمان با رویداد اتفاق می افتد.

بعضی مردم نگارها به حافظه خود برای خلق و ایجاد یادداشت ها بعد از ترک محل تحقیق اتکاء دارند و برخی در میدان تحقیق یادداشت برداری انجام می دهند. تعدادی از

متغیرها می‌توانند بر انتخاب مردم نگار در مورد زمان ثبت داده‌ها تأثیر بگذارند. برخی از محیط‌ها برای یادداشت برداری فوری مناسب هستند. در محیط‌های صمیمی معمولاً یادداشت برداری به صورت پنهانی ممکن است به نظر فضولانه برسد و در ذهن اطلاع‌رسانها ایجاد شبهه کند. بسیاری از مردم نگاران تمایلی ندارند که به عنوان یک یادداشت بردار عام دیده شوند. به این خاطر که هدف مردم نگار یادگرفتن از دیگران و بررسی فرهنگ و زمینه‌های فرهنگی درون جوامع است. یادداشت برداری صرف، در واقع نوعی انگشت‌نمایی در میدان به وجود می‌آورد، گرچه ممکن است اطلاع‌رسان‌ها عادت به دیدن مردم نگار با یک دفتر یادداشتی در دست نداشته باشند، اما می‌توان با تکرار زیاد کاری، آن را به قسمت پذیرفته شده‌ای از شخصیت محقق تبدیل کرد و این از لوازم مردم‌نگاری است. برای آنکه این یادداشت برداری جزئی از ویژگی‌های روشی شخصیتی محقق شود، از همان آغاز این عمل را شروع می‌کند سرانجام مردم‌مورد مطالعه آن را عادی می‌بینند و در مسیر مردم‌نگاری کمتر قابل توجه شده و حساسیت کمتری برمی‌انگیزاند.

علاوه بر یادداشت برداری اغلب مردم نگاران برخی از ابزارها برای ثبت اطلاعات استفاده می‌کنند، به عنوان مثال ضبط صوت‌ها، دوربین‌ها و تکنولوژی‌هایی از این قبیل. این ابزارها کمک‌های ارزشمندی به فرایند جمع‌آوری داده‌ها می‌کنند. زمانی که محقق در حال استفاده از این ابزارها است، باید مطمئن شود که آنها را به صورت دقیق و صحیح استفاده می‌کند و سعی کند آنها را همراه با یادداشت‌های نوشته شده به کار ببرد تا ثبت مردم‌نگارانه کاملی را به وجود آورد.

توجه به جزئیات

توجه به جزئیات و شرح خوب، قسمت ضروری و اساسی یک مردم‌نگاری خوب است. در نوشتن یادداشت‌ها و ثبت نکات مردم‌نگاری، مردم نگار باید تلاش کند تا جزئیات را تا جای ممکن ثبت کنند. اگر به ثبت جزئیات بپردازد، وقتی به یادداشت‌ها برمی‌گردد اطلاعات بیشتری در مورد موضوع دارد.



جزئیات، اجزای جامعه و فرهنگی که در عمل انجام می شود هستند، می توانند مردم نگاری را کامل کنند و توصیفی دقیق از پدیده اجتماعی مورد بررسی ارائه دهند. مردم نگار باید جزئیات را به عنوان قسمت جدایی ناپذیر در متن مردم نگاری در نظر گیرد. جزئیات به قصه گوئی و داستان سرایی روایتی کمک می کند و خواننده را در موقعیت محقق و مشارکت کننده قرار می دهد و باعث مستند سازی پیچیدگی زندگی بشری می شود.

یادداشت ها باید اجازه دهد تا جزئیات تکراری مانند غذایی که در هر وعده مصرف می شود یا لباسهایی که در یک رویداد خاصی پوشیده می شود و همچنین جزئیاتی را که گهگاهی رخ می دهد شناسایی کند. توجه به تنوعی از جزئیات کمک می کند که محقق به درجه ای شناسایی برسد که متوجه شود یک حادثه خاص یا یک مجموعه ای از ایده ها و نهادها، قسمتی از یک الگوی منظم و همیشگی است یا یک رخداد منحصر به فرد است که به طور اتفاقی به وقوع پیوسته است.

اگر محقق در جست و جوی سن، زبان، قومیت است، باید مطمئن شود که یادداشت هایی در مورد این موضوعات برمی دارد و جزئیات را بر حسب اهمیت ظاهریشان در یک زمینه معین اولویت بندی کند. در زمان تصمیم گیری درباره اینکه کدام جزئیات ضروری هستند، او باید توجه داشته باشد تا مواردی ثبت شود که با استفاده از آنها بتوان داستانی از آنچه شاهد بوده است، یا شنیده یا تجربه کرده است را بازگو کند.

ثبت موارد تکراری و موارد منحصر به فرد

در زندگی روزمره با دو نوع رفتار مواجه هستیم رفتارهای تکراری و رفتارهای منحصر به فرد. بعضی رفتارهای تکراری هر روز تکرار می شوند و همه افراد آنها را انجام می دهند بعضی رفتارهای تکراری در ایام و مواقع خاص مشاهده می شوند، بعضی رفتارها نیز متعلق به گروه و یا فرد خاصی هستند، در مردم نگاری باید به همه این موارد توجه داشت. یکی از چالشی ترین وظیفه مردم نگاری در حوزه فرهنگ، مقوله هایی چون امر غیر عادی یا منحصر به فرد و امر عادی و منظم است. از یک طرف، بسیاری از محققان تمایل دارند که توجه را به سمت چیزهای غیر عادی سوق دهند و به عنوان یک تازه

وارد همه چیز به نظر آنها تازه می رسد در حالی که باید بتوان میان پدیده های عادی و موارد اتفاقی تمایز قایل شد و در گزارش درمورد این نوشت که چه رفتارهایی عادی است، کدام رایج نیست و مردم در قبال یک واقعه جدید چگونه واکنش نشان می دهند. معمولاً در زمینه های فرهنگی یک کنش خاص هرزمانی رخ نمی دهد و واژه ها و کلمات و یا نمادها همیشه ظاهر نمی شوند و هرکدام به زمینه و موقعیتی تعلق دارند. اما زمانی که محقق، تجربه انجام کار میدانی طولانی مدتی را داشته باشد، همچنین مشاهدات میدانی متعددی انجام دهد و یک واقعه را به صورت مکرر مشاهده کند و مکالمات بیشماری را ثبت کند، در آن زمان می توان متوجه تکرار یک عمل در زمینه فرهنگی مورد مطالعه شد. توجه به تکرار به محقق کمک خواهد کرد که به عنوان مشاهده گر- مشارکت کننده به طور مؤثرتری در میدان تحقیق درگیر شود، یعنی با سرعت بیشتر قادر خواهد بود که عملکردها و رسوم مشترکی چون، احوال پرسی و مهمان نوازی، رفتارهای مؤدبانه را یاد گرفته و با محیط فرهنگی سازگار شود و به احتمال زیاد در آن وقت به اهمیت پذیرش و روابط دوستانه پی خواهد برد.

فراتر از اینکه محقق نقش مشاهده گر-مشارکت کننده مؤثرتری ایفا کند، توجه دقیق به تکرار به او اجازه می دهد تا عناصر مرکزی سیستم های اجتماعی و فرهنگی مشترک را بررسی کند. مردم چیزها و رفتارها را معمولاً برای آنکه برای آنها مهم هستند تکرار می کنند و به احتمال زیاد فعالیت های تکرار شده دارای ارزش فرهنگی یا نماد آنها هستند. بنابراین می توان رویدادهای تکراری، رفتارها، کلمات و واژگان و نمادهای تکراری را به عنوان راهی برای برخی از عمده ترین اجزای فرهنگی و اجتماعی مشترک نگاه کرد. اگر توجه شود که خانه ها به طور معمول با استفاده از جهات اصلی تقسیم بندی شده اند و در آن زنان در طرف غرب و مردان در طرف شرق قرار گرفتند، این ممکن است به محقق چندین چیز بگوید؛ مثلاً جهات اصلی بخصوص شرق و غرب، به ویژه برای این گروه برجسته و چشمگیر هستند و معانی خاصی دارد، یا اینکه؛ یک تأکید قوی روی تمایز بخشی و تفاوت گذاری جنسیتی و حداقل برخی از درجات تفکیک و جدایی جنسیتی در این فرهنگ وجود دارد.



مشاهده کردن، یادگرفتن و مستند ساختن تکرارها به محقق اجازه می دهد تا با اعتماد به نفس و اقتدار بیشتری درباره عناصر کلیدی جامعه و اجتماعی صحبت کند که در حال مطالعه آن است. دانش مردم نگاری و نوشتن خوب یک گزارش مردم نگاری مبتنی بر این نوع از مشاهدات هستند. اگر بتوان با اعتماد به نفس بیشتری پیش بینی کرد که یک گروه، خرده گروه یا فرد در شیوه خاصی در یک زمینه ویژه فلان رفتار را خواهد کرد یا فلان صحبت را می کند، مجموعه ای قدرتمند از اطلاعات را گسترش داده می شود. این اطلاعات شیوه ای برای شناسایی و قواعد و خطوط راهنما هستند که تمایلات اجتماعی فرهنگی را تولید می کنند. قدرت فرهنگها و جوامع از توانایی شان از تأثیرگذاری بر اعضایشان ناشی می شود که آنها را به تبعیت از قواعد اجتماعی وادار می کند، فرهنگ این نوع جوامع از رفتارها و نمادهای تکرار، تشکیل شده و حفظ می شود. محقق می تواند بگوید؛ X معمولاً به Y می انجامد، زیرا این الگو را به طور منظم مشاهده کرده است.

یک مردم نگار خوب همچنین باید توجه دقیقی به تنوع داشته باشد. این توجه شامل چیزهایی می شود که به نظر منحصر به فرد و غیر عادی می رسند. به همان شیوه که تکرار می تواند اطلاعاتی از حوادث، رفتارها و نمادها را دربرداشته باشد، چیزهای غیر عادی و متفاوتی هم می توانند نشانگان بخش های مهمی از اطلاعات برای مردم نگار باشند. رویدادهای غیرعادی-مثل مراسم پاگشایی که یک بار در یک نسل اتفاق می افتد، یا واکنش به حوادث طبیعی فاجعه آمیز، و تظاهرات سیاسی بزرگ- می توانند راهی را برای فهم انعطاف پذیری و پایداری فرهنگها و سیستم های اجتماعی و نقش خلاقیت انسان فراهم کند. محقق باید یادداشت هایی در مورد آنها بردارد و بلافاصله تلاشی را شروع کند، مبنی بر اینکه آیا برای تنوع، توضیحی وجود دارد؟ آیا قسمت های مختلفی را دربرمی گیرد؟ اگر بله، چگونه آنها متفاوت هستند و چگونه ممکن است این انتظارات در رفتار و گفتار افراد تأثیر بگذارد؟

پس از جمع آوری اطلاعات و ثبت آنها باید به تحلیل اطلاعات یا داده هایی که جمع آوری شده اند پرداخت. هدف اصلی باید این باشد که درک و فهمی از پیچیدگی زندگی، اعمال، ایده های اطلاع رسانها تا جای ممکن به دست آید. یکی از اهداف تحلیل، شناسایی مضامین موجود در یادداشتهای و پاسخ به سؤالات کلیدی است که معمولاً از میان داده ها پدیدار می شوند. در داستان ها، عبارات، نمادها یا ایده هایی که توسط مردم نگار ثبت شده اند، مضمونهایی پدیدار می شوند که محقق می تواند به دفعات متعدد در گزارشی که جمع آوری کرده است آنها را ببیند.

محقق با نگاهی که به گزارش و ثبت مردم نگاری خود می اندازد، باید لیستی از نکات و لحظاتی که هنوز برای او نامشخص و مبهم و گیج کننده هستند تهیه کند. این لیست می تواند شامل تناقضات آشکاری باشد که در گزارش و ثبت مردم نگاری وجود دارد، مثلاً محقق گفته های دو یا چند نفر را در گزارش ثبت کرده است که با همدیگر تناقض دارند. پس از مشخص شدن نقاط مبهم باید برای رفع آنها و کسب اطلاعات درباره آنها اقدام شود.

زمانی که لیست و فهرستی از مضمون ها را بر اساس کار میدانی ایجاد شد، می توان این لیست را برای کد گذاری گزارش مردم نگاری به کار گرفت. فرایند کدگذاری، شامل شناسایی هر مصداقی در گزارش مردم نگاری است که به مضمون خاصی مربوط می شود. به عنوان مثال یک مضمون خوراک است هر جا که در یادداشتهای حاصل از مشاهده یا مصاحبه نکته ای مربوط با خوراک وجود داشت در کنار آن کد مربوط به خوراک را یادداشت می شود.

در مرحله کدگذاری گزارش بازبینی مجدد می شود و لایه های دیگری از کدها را به آن اضافه می شود که گزارش را در ارتباط با محورهای مختلف سازمان دهی می کند. این فرایند ابعاد تحلیلی را به نگارش مردم نگاری می افزاید. همانگونه که مرتب سازی و تجزیه تحلیل می شود، وظیفه محقق مشخص کردن برداشتهای ممکن و معناهای موجود در اعمال و گفتار، اندیشه ها و قراردادن آنها در متن تحلیلی مردم نگاری است.



این به معنی فکر کردن در مورد این است که چگونه رویدادها، گفتارها یا ایده های خاص به سؤالات مرکزی و تم های کلیدی مربوط می شوند.

نگارش گزارش

مرحله پایانی مردم نگاری نوشتن گزارش است. در مقایسه با بیشتر نمونه های نوشتن که به تحقیقات جدی مربوط می شود، نوشتن مردم نگاری نسبتاً گرایش به غیر رسمی بودن دارد. در ابتدای رواج یافتن مردم نگاری، بیشتر کارها به صورت سوم شخص از دیدگاه خاصی نوشته می شد که مردم نگار را به عنوان یک مشاهده کننده ناظر و دانا قرار می داد. در سال های اخیر، بسیاری مردم نگاران سبک نوشتن شان را به اول شخص تبدیل کردند. درحقیقت استفاده سوم شخص مورد نقد قرار گرفته است، زیرا زمانی که مردم نگار به عنوان یک مشاهده گر دانا و ناظر در نظر گرفته می شود اثر ویژگی های شخصی نویسنده بر پژوهش را پنهان می کند. امروزه معمولاً درنوشتن مردم نگاری موضع و لحن به شدت جدی و مبتنی بر نوشتن علمی یک رویکرد رایج و معمول نیست. مردم نگاری غالباً شیوه های گزارش های اول شخص را دنبال می کند. به این ترتیب مردم نگاری به یک داستان خوش ساخت با جزئیات قانع کننده، تبدیل می شود که می تواند مجرای قدرتمندی باشد که خواننده را با عناصر گوناگونی شامل طنز، شوخ طبعی، علایق انسان یا حتی با تعجب پیوند دهد. زمانی که خواننده با نویسنده همراه می شود و خود را درگیر همان لحظات از طریق خواندن مردم نگاری می کند، می تواند زاویه دید و دامنه مردم نگاری را وسیع تر ساخته که چگونه این جزئیات با آن چه که دیگران یافته بودند یا تلقی می کردند می تواند مرتبط باشد و یا حتی متفاوت باشد. با این مدل، مردم نگار از جزئیات محدود شروع می کند و سپس به تدریج یا به طور ناگهانی دامنه و چشم انداز را در بیان مطالب گسترش می دهد. ابتدا به طور کلی موارد یافته شده را نام می برد سپس آنها را شرح می دهد و به توصیف مفصل جزئیات و تجزیه تحلیل برمی گردد و یک نوع مدل ساعت شنی^۴ را با مسیر

^۴ از آنجا که ابتدا موارد کلی نام برده می شود و سپس جزئیات شرح داده می شود به این مدل ساعت شنی اطلاق شده است.

محدود یعنی تمرکز به جزئیاتی که در آغاز ضمیمه کرده اید، تولید کند و یا ممکن است با یک مدلی کار شود که با حرکت از یافته های خاص به سمت گسترده تر و عام که دیدگاه کلی تری را در پایان دارد پیش برود.

بسیاری از گزارشهای مردم نگاری با صحنه های ورود آغاز می شوند که اولین تجربه مردم نگاران را در میدان تحقیقشان توصیف می کنند. برخی از صحنه های ورود به افسانه شبیه اند. صحنه های ورود دیگری هم هستند که بیشتر عینی و واقعی اند. محقق باید تجربه های اولیه و برداشت هایش از محیط میدانی را ثبت کند. با قرار دادن صحنه ورود در گزارش مردم نگاری، می توان تجربه های اولیه و برداشت هایی را که در یادداشت ها ثبت شده اند، مرور مجدد کرد. این گزارش ها قسمت های کلیدی اطلاعات را دربردارد، به خصوص برای فرد بیرونی ای که با موضوع تحقیق برای اولین بار در هنگام خواندن آن مردم نگاری روبرو می شود. هنگامی که صحنه در این شیوه تنظیم می شود، برای خواننده این امکان را فراهم می کند تا از جایی شروع کند که محقق شروع کرده است و مثل او تجربه کند و درک کند و آن موارد را فرض بگیرد.

در گزارش نهایی، جزئیات با عناصری از سبک مانند نوع لحن و صدا با همدیگر متناسب می شود تا یک مردم نگاری متقاعد کننده ای را به وجود آورد. داستان های خوب و پر از جزئیات دقیق می تواند به اثر بخشی کلی مردم نگاری کمک کند. نباید در جست و جوی جزئیات به خاطر خود جزئیات بود. در عوض باید روی جزئیات به شیوه ای تمرکز کرد که به گزارش توصیفی بزرگتر کمک می کند و پایه ای برای تحلیل خاص را فراهم می سازد. اگرچه جزئیات یک مؤلفه اساسی هر مردم نگاری هستند، باید توجه داشته باشید که ذکر جزئیات بیش از حد می تواند خسته کننده باشد همچنین جزئیات زیاد ممکن است باعث شود که خواننده قادر نباشد بفهمد که کدام قسمت از اطلاعات از اهمیت بیشتری برخوردار است و چگونه در داخل یک کل تحلیلی بزرگتر با همدیگر در ارتباط هستند.

در ایجاد گزارش مردم نگاری، علاوه بر روایتها، غالباً نمونه هایی از بازنمایی های تصویری تولید می شود که شامل نقش ها، نمودارها، جداول و عکس ها می شوند. می توان یک





یا چند مورد از این آیتم ها را در مردم نگاری نهایی ترکیب کرد و آورد، زیرا این کار می تواند مردم نگاری را در کل مؤثرتر سازد. نقشه ها معمولاً از همان آغاز کار در اغلب مردم نگاری ها دیده می شوند. همانند صحنه ورود، این نقشه ها زمینه درک بهتر یافته ها را فراهم می سازند و مراحل را برای ورود به خواندن مردم نگاری تنظیم می کند.

زمانی که محقق جداول و نمودارها را مورد استفاده قرار می دهید، معمولاً آنها را در مجموعه مرکزی مردم نگاری قرار می دهید. به همان شیوه که نقشه ها بحث و تحلیل روابط فضایی و درک از فضا را بیان می کنند، جداول و نمودارها تلقی مردم نگاری از موضوع را همانند مقوله های مفهومی، ساختارها، تقسیمات اجتماعی را نشان می دهند. عکس ها نیز می توانند در سرتاسر مردم نگاری ظاهر شوند. مردم نگاران غالباً برخی عکس ها را در آغاز قرار می دهند و یا تصاویر بصری را برای خواننده ارائه می دهند تا توصیفات متنی را غنی تر سازند.

نقشه ها

برای خلاصه کردن و نمایش داده ها می توان از نقشه ها استفاده کرد. نقشه ها معمولاً دید بصری ای ارائه می دهند و یک ابزار مکمل در گزارش مردم نگارانه هستند. بسیاری از مردم نگاری ها، نقشه هایی از کار میدانی را در خود دارند. نقشه ها می توانند به عنوان بازنمایی از طرح جغرافیایی و فیزیکی از فضا، بزرگی یا کوچکی را ارائه دهند یا بازنمایی از این باشند که چگونه افراد فضا را مفهوم سازی می کنند. در برخی موارد، مشخصه ها و ویژگی های خاص یک فضا می توانند جلوه هایی از فرهنگ و جامعه باشند که در هیچ کجایی نمی توان این جلوه ها و نمادهای فرهنگی و جامعه را دید. نقشه ها انواع مختلفی دارند بعضی جغرافیایی هستند برخی فضاهای فرهنگی را بازنمایی می کنند و برخی دیگر جریانها و حرکتها را به نمایش می گذارند.

می توان با استفاده از نقشه نشان داد که یک جامعه، کشور، محله، فرهنگ، زمینه فرهنگی در کجا واقع شده است. هنگامی که مخاطبان، مردم نگاری را می خوانند، احتمالاً با محله ها، فاصله ها، ویژگی های جغرافیایی و واحد های سیاسی و مرزها آشنا نیستند، نقشه های جغرافیایی می توانند راهنمای ارزشمندی برای خواننده ها باشند.

نقشه های جغرافیایی در شرایطی مفیدتر خواهند بود که ویژگی های زیست محیطی همچون دریاچه ها، رودخانه ها، دره ها، کوه ها، سواحل و جزایر معین کنند.

اگر ارتفاع از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد، نقشه توپوگرافی می تواند مفید باشد، اما در بیشتر موارد، یک نقشه جغرافیایی کلی که مجاورت و فاصله میان ویژگی های کلی را نشان می دهند، مناسب است. در ماهیگیری سنتی در دریای خزر یک مردم نگار قصد دارد که به خواننده نشان دهد تا چه حد این روستا از دریا فاصله دارد، می تواند از یک نقشه استفاده کند. به طور کلی این نقشه ها باید شاخصی برای جهات جغرافیایی، مقیاسی برای فاصله و یک کلیدی برای همه مفاهیم و نمادهایی که روی نقشه ظاهر گردید، داشته باشند.

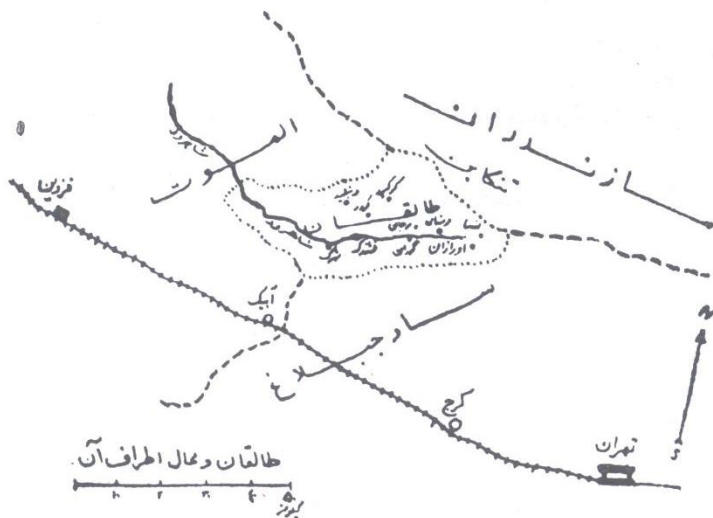
نقشه کشی خانه ها و فضاهای خانگی، ویژگی عمده بسیاری از پروژه های مردم نگاری است. طراحی و ترسیم و تجزیه و تحلیل نقشه های فضاهای خانگی می توانند بسیاری از جنبه های فرهنگ و جامعه را آشکار کرده و بازنمایی کنند، که عبارتند از؛ رفتارها و تقسیمات و اختلافات جنسیتی، جداسازی مقدس و نامقدس و یا تمیز و کثیف، جداسازی حوزه های عمومی و خصوصی، روابط میان نسل ها، پیوندهای خویشاوندی گسترده و فعالیت های اقتصاد خانگی.

اگر تحقیق، مشاهده مشارکتی را در شعایر و رفتارهای شعایر آمیز شامل شود، باید به ترسیم و نقشه کشی فضاهایی که این حوادث در آن رخ می دهد توجه شود. در ترسیم نقشه ها باید در مورد مرزها برای فضا (دیوارها، درها، ویژگی های دیگر که نشان آن فضا به عنوان شعایر و امر مقدس است)، سازمان درونی (مثلا مکان ها، صندلی، نیمکت، محراب و یا مراکز فعالیت شعایری) توضیح فضایی و تقسیم مشارکت کنندگان و محل اشیاء اصلی شعایری فکر شود.

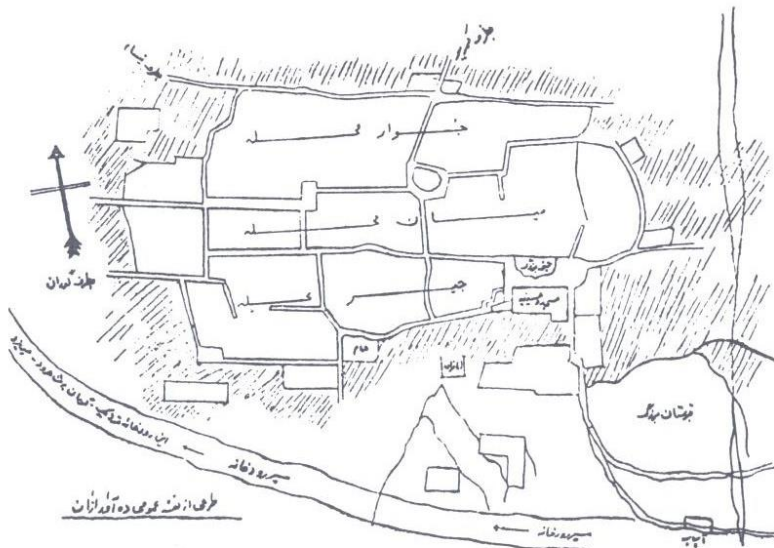
نقشه هایی که مهاجرت های انسانی و کالاهای تجاری را دنبال می کنند، احتمالا بهترین مثال نقشه هایی هستند که بازنمایی حرکت های فیزیکی را ترکیب می کنند. نشان دادن مسیرها و جهات حرکت می توانند نمادهای ارزشمند در این نقشه ها



باشد. اندازه، رنگ و جهات فلش نشان دهنده علائم جغرافیایی می توانند به جدایی و تفکیک میان حرکت افراد مختلف و اشیاء کمک کنند و فراوانی و تراکم حرکت را نشان دهند.



یک نقشه مانند عکسی است که لحظه خاصی را در زمان خاصی بازنمایی می کند. بنابراین نقشه از یک لحظه در زمانی خاص ممکن است ماهرانه ترسیم شود و به میزان قابل توجهی در یک زمان دیگر متفاوت باشد. حتی اگر فضای تحت بررسی در شیوه مشابهی تعریف شود، لحظات همواره تفاوت دارند. در دراز مدت، رودخانه ها ممکن است تغییر مسیر دهند.



مصنوعات فرهنگی

تحقیق مردم نگاری در جوامع و فرهنگ های زنده که دارای آثار فرهنگی هستند افراد و گروههایی که مصنوعاتی را تولید می کنند و شعایری را وضع و ایده هایی را مبادله می کنند، رخ می دهد. محقق در میدان تحقیق، همیشه با مصنوعات و آثار فرهنگی مانند صنایع دستی، موسیقی و نیز لباس روبرو هست. این مصنوعات فرهنگی قسمتی از فرایندهای پیچیده ای هستند که در آن فرهنگ تولید، استفاده و به طور بالقوه ای اصلاح می شود.

اگر اطلاع رسانی ها با اشاره به موارد خاص در فرایندهای مکالمات و مصاحبه ها تأکید می کنند و یا اگر مشاهده شد که یک شیء خاص غالباً نقش عمده و برجسته ای را در رویدادهای خاص ایفا می کند، این شاخصه ها نشان می دهند که بخش خاصی از فرهنگ مادی شایسته توجه مردم نگاری را داراست. برخی از توضیحات بسیار مؤثر و جزئی در تحلیل های فرهنگ مادی - مثلاً لباس پوشیدن یا اشیاء شعایری و مناسکی - به عنوان نقطه شروع توجه به مصنوعات فرهنگی در نظر گرفته می شوند.



مصنوعات به عنوان تولیدات فرهنگی اجتماعی شامل اسناد، عکس ها، نشریات و هرچیز تولید شده می شود. مردم نگار بایستی تشخیص دهد که مصنوعات فرهنگی برای اهداف خاصی تولید می شوند که شامل سابقه ارتباطات شخصی و نگهداری سند و گزارشی از آن و سوابق سازمانی، امور کسب و کار و اهداف مختلف دیگر می شوند. برای استفاده و تجزیه و تحلیل این مصنوعات، بایستی آمادگی وجود داشته باشد تا درباره این فکر شود که چگونه آنها با دیگر منابع اطلاعات که به آن متکی هست تفاوت و شباهت دارند.

اطلاعات مورد نیاز در مردم نگاری روستا

پیشنهاد می شود در انجام مردم نگاری روستا موارد زیر به عنوان سؤالات اصلی و مضمونهای کلیدی در مشاهده و مصاحبه مورد توجه قرار گیرد و ثبت شود.

شرایط کلی روستاها:

۱. شرایط طبیعی و جغرافیایی

۱. علایم مربوط به طول و عرض جغرافیایی
۲. خطوط منحنی ارتفاعات
۳. شبکه آبهای جاری
۴. بخش مرکزی
۵. مکانهای خاص
۶. منابع آب و مسائل آب

۲. جمعیت

۱. تراکم
۲. رشد
۳. ویژگی های جمعیت شناختی
۳. موقعیت ارتباطی روستاها
۴. تسهیلات روستایی و عوامل توسعه
۵. مشخصات کشاورزان:

۱. سن کشاورزان



۲. وضع تأهل و تعداد فرزندان

۳. تحصیلات فرزندان

۴. شغل فرزندان

۶. آگاهی:

۱. سواد

۲. مسافرت

۷. منابع درآمد:

۱. کشاورزی:

(a) زمین

(b) آب زراعی

(c) سنجش مقدار تولیدات

(d) هزینه ها

(e) فروش محصولات

(f) شیوه ها و انواع کشت

(g) کارهای زراعی خرمن کوبی و... آماده کردن زمین

(h) فرآیندهای که برای کار کشاورزی و دستیابی به محصول

انجام می شود

۲. دامداری

(a) انواع دامداری

(b) شیوه های نگه داری حیوانات آغل و طویله

(c) محصولات دامداری چیست و چه کسی آن را تهیه می

کند چگونه تهیه می شود

۳. سایر منابع درآمد

a. فرش نحوه بافت نقشه ها

۸. هزینه خانوارهای روستایی

۱. لوازم ضروری منزل



۲. تزیینات
۳. وسایل رفاهی (وسایل لوکس)

۹. ارزش ها:

۱. ارزش های شغلی
۲. ارزش های خانوادگی
۳. ارزش های اجتماعی
۴. آرزوها
۵. مذهب

۱۰. قومیت

۱۱. زبان

۱. گروههای زبانی
۲. لهجه ها
۳. تکیه کلامها
۴. ضرب المثلهها و

۱۲. روابط

۱. روابط انسانی
۲. روابط بازرگانی و تجاری

۱۳. زیارتگاهها

۱۴. مسکن

۱. سازماندهی فضاهای مسکونی
۲. فنون خانه سازی مصالح ساختمانی شکل ساختمانها
۱۵. فنون مربوط به تهیه خوراک
۱۶. نان پزی

۱. چگونه
۲. چه کسی تهیه می کند
۳. وسایل تهیه انواع نان چگونه نگه داری نان

۱۷. پوشاک



۱. اجزای لباس زنان و مردان
 ۲. ویژگی های لباس
 ۳. از کجا تهیه می شود
۱۸. مراسم

۱. زمان برگزاری
 ۲. مکان برگزاری
 ۳. لوازم ویژه
۱۹. ویژگی های روحی (خلقیات رایج)
۲۰. اعتقادات

۱. اعتقادات مذهبی برجسته
۲. عقاید قومی
۳. خرافات

۲۱. هنر

۱. موسیقی
۲. صنایع دستی
۳. تزیینات لباس

چنانچه تمام موارد ذکر شده ثبت شود مردم نگاری به طور کامل انجام شده و حاوی کلیه اطلاعات منطقه مورد بررسی خواهد بود اما جمع آوری اطلاعات پیرامون همه آنها ضرورت ندارد و محقق باید تلاش کند حداکثر شناخت را در محیط طبیعی کسب کند بدون اینکه در اطلاع رسانها حساسیت منفی ایجاد کند که درستی یافته ها تحت تأثیر قرار گیرد.



اورازان مردم نگاری جلال آل احمد از روستای آبا و اجدادی اوست که در سال ۱۳۳۳ نگاشته شده است و حاصل مشاهدات و سفرهای او است. اورازان به زبانی ساده و ویژگی های روستا را توصیف می کند و می توان از آن به عنوان نمونه یک مردم نگاری استفاده کرد. یک بخش از این کتاب تحت عنوان «غذای اهالی» برای آشنایی جهادگران برگزیده شد.

غذای اهالی

عموماً پرخورند. شاید از این نظر که مواد غذایی خوراکیان بسیار کم است. گوشت خیلی کم می خورند. مگر گوسفندی یا بزی از کوه پرت شود و سنگ پایش را بشکنند و مجبور بشوند سرش را ببرند و حلالش کنن تا گوشتی به هم برسد. در این گونه موارد صاحب گوشت روی بام می رود و گوشتی را کشته است جار می زند. گوشت بز یا گاو یا هر چیز دیگر و این اتفاق بیشتر تابستانها می افتد. غیر از این کم تر اتفاق می افتد که قصابی کنند. بعضی ها هم که تمکنی دارند یکی دو تا گوسفند یا بز می کشند و قرمه می کنند و برای زمستان نگه می دارند.

اگر گاهی گوشت داشته باشند و آب گوشت بخورند گوشت آن را نمی کوبند. گوشت را با بنشنی که به همراه آن پخته اند در بشقاب جداگانه ای می ریزند و بعد از ترید می خورند. اما شیر و ماست و دوغ و کشک و پنیر و محصولات دیگری که از شیر می گیرند، فراوان است. غیر از این ها خوراک غالب اهالی نباتی است. همیشه ارزن و گندم، گاهی برنج و خیلی به ندرت حبوبات دیگر. سبزی هم می خورند. البته فقط پخته و سبزی آنها بیشتر عبارت از سبزی های خودرو کوهی است. «شورک» و «والک» و «آبشن» بیش از همه در دسترسشان است. چوپان که به دنبال چارپا به کوه می رود، در تابستان این سبزی ها را هم می چینند و در کوله باره ی خود به ده می آورد و غیر از او زنها هستند که سبزی خود را از کوه و دره می چینند. هیچ روزی نیست که در هر خانواده

ی اورازانی دیگ آش به پا نباشد. آش را روان و آبکی می پزند که سبزی در میانش شناور است. حتی آن را هر روز به عنوان چاشت می خورند. صبح ها از چایی خبری نیست. چایی را روزی یک بار عصر که از کار برمی گردند، می خورند.

تابستانها که مردها خیلی زود سرکار می روند، نمی رسند که در خانه چاشت کنند. نمازشان را که خواندند، اول طلوع فجر راه می افتند و چون مزارع دور است، تا به محل درو یا شخم برسند، آفتاب سرزده است. از راه که رسیدند سفره کمری خود را که به آن ابزار می گویند باز می کنند و با نان و پنیر جزیی سدجوع می کنند و به کار می پردازند. دو سه ساعتی که کمار کردند زنها دیگ به سر چاشت آنها را از ده می آورند. نان و ژنیر که در خبک نگاهش می دارند و آش با قاشق های چوبی بزرگ که یک شهری به زحمت می تواند آن را به دهان ببرد. و یک سطل دوغ. به هر آشی دوغ می زنند و گاهی کشک. زنها نیز همانجا سرکوه با مردهای خود چاشت می کنند و به ده بر می گردند و این چاشت که در حوالی یک یدو ساعت به ظهر خورده می شود ناهار هست. بعد مردها نزدیک غروب که می خواهند دست از کار بکشند، یکبار دیگر نیز سد جوع کرده اند و این بار فقط با نان و پنیر و گاهی «زپله».


غروب که به خانه برگشتند شام حاضر است باز هم آش و بعد می خوابند. یک ساعت از شب گذشته کم تر جاننداری در ده بیدار است و هیچ پنجره ای نیست که از آن نوری به بیرون بتابد ولی در فصل بیکاری، یعنی وقتی که برف و بوران اجازه نمی دهد بیرون بروند، غذا سه وعده است. صبح و ظهر و شام. ولی آش صبح حتی یک روز هم فراموش نمی شود. آشهای مختلف: «گندم آش» گندم است که پوست می کنند و می کوبند و با چغندر و عدس می پزند و با دوغ میخورند. «بلغور آش چیز دیگری شبیه به آش گندم است. «آردین آش» تقریباً آش رشته است. مغز گردو و کشمش و آلوچه را با رشته و چغندر می پزند و با کشک یا «سج» یعنی قره قروت می خورند. اگر سرکه به هم برسد با سرکه. «گوروس آش» آش ارزن است که باز با عدس و چغندر می پزند. ارزن هم پوست کنده است و چاشنی آن دوغ است. «سج آش» را با بلغور و برنج و چغندر می پزند و با قره قورت می خورند. «تلی آرد» آرد سیاه دانه است که با برنج می



پزند و به آن شیر می زنند و می خورند. بعضی وقتها قرمه هم به آن می زنند. چغندر را برگ و درسته تویدیک می ریزند و می پزند. چغندهای ریزی دارند. دو سه نوع غذا هم با شیر درست می کنند: «گوره ماست» یکی از آنهاست. کاسه های چوبی مخصوصی دارند که از مازندران می آورند و به آن کچول می گویند. شیر را در آن می دوشند و کمی ماست به آن می زنند و می خورند. «شیرپت» یک نوع دیگر از این غذاست که فقط شیر است، ولی تشریفات مخصوصی دارد. شیر را در همان کچول می دوشند و تکه سنگهایی را که در آتش گون داغ کرده اند، توی آن می ریزند که از حرارتشان به جوش می آید، بعد آن را با نان می خورند. خودشان عقیده دارند که زهراب شیر را میگیرد. این دو غذا بیشتر خوراک چوپانهای است که همراه گله به کوه می روند. شیر حاضر، گون هم حاضر و در انباشان نان و ماست و پنیر هم حاضر دارند.

پلو هم می خورند. اغلب به جای برنج، ارزن را پلو می کنند. ارزن پوست کنده را با آب تنها می پزند و به آن ماست و شیر می زنند. کمی نرم می شود و آن را «شیر گوروس» می گویند. «کچی» نوع دیگری از پلوهای آنهاست که بلغور نرم در آب پخته است با ماست یا آغز. مثل تهرانیها هم پلو می خورند. برنج پخته با خورش که اغلب قیمه یا فسنجان است. و پیدااست که خوراک اغنیاست. «دمک» هم می پزند (به فتح دال و کسر میم). برنج و بلغور و ارزن را با کمی شورک در تنور می پزند و دمی ماندی درست می کنند. هلیم هم می پزند. زمستان ها و با قرمه. و تابستانها اگر اجباراً گوشت فراوانی به همان صورت که گذشت در خانه به هم رسیده باشد. درست مثل هلیمی که در تهران می پزند. «زبله» را به صورت دیگری هم تهیه می کنند و به آن «آرداله» می گویند. آید را بی روغن برشته می کنند، بعد به آن شیر می زنند.

اما نانهایی که می خورند. غیر از گندم و جو با ارزن هم نان می پزند. و درین صورت خمیر را به تنور نمی زنند، روی ساک می پزند. نان معمولی شان دو نوع است: «بالی نان» که همان نان لواش نازک و بزرگ است و دیگری «جوکلاس» که نان جو است و گرده نانی کلفت و کوچک و سیاه رنگ است. معمولاً با ته مانده خمیر گندم نیز که نازک نمی شود، چنین نان سفت و سقطی درست می کنند. نانی که در آتش یا شیر یا



دوغ نرم می کنند و می خورند، همین نان است. لواش را با پنیر می خورند و قاتق است. معمولاً در هر خانه، هفته ای یک بار نان می بندند و تمام نان هفته را می پزند و نگه می دارند. نان های دیگری هم دارند که جزو تفنن های خانوادگی است. اگر مهمانی برسد یا اگر سفری در پیش باشد. «پنجه کش» یک نوع از این تفنن هاست که دراز و باریک است و با آرد گندم می پزند و یا شیر خمیر می کنند و زرده تخم مرغ رویش می مالند. گاهی هم شیره. یک نوع دیگر «گرت» (به ضم گاف ورا) است که با شیر خمیر می کنند و مغز گردو لایش می گذارند و روی آن نیز مغز گردوی کوبیده می پاشند که برشته تر شود. یک نوع دیگر این گونه نان شیرمالها «ترکلاس» است که به جای گردو، سبزی کوهی تازه به خمیر آن می زنند. سوغات ده برای خانواده ما همیشه یا پنیر بوده است یا عسل با همین یکی دو نوع شیرمال. گاهی هم «والک» و «آبشن» برای مان می آورده اند.



منابع

آل احمد جلال ۱۳۴۹، اورازان، تهران.

فلیک اوه، ۱۳۸۸، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

مارچسیون جولیان ام، ۱۳۹۳، مردم نگاری (طراحی، هدایت و ارائه‌ی تحقیق)، ترجمه: سید قاسم حسنی، تهران، نشر جامعه شناسان.

ایمانی محمدنقی، تحقیق قوم نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز) تابستان و پاییز ۱۳۸۱، دوره ۴۵ شماره-۱۸۴
183

اسپردلی جیمز پ، مک کوردی دیوید، ۱۳۸۹، پژوهش فرهنگی مردم نگاری در جوامع پیچیده مردم نگاری در جوامع پیچیده، ترجمه: بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی

